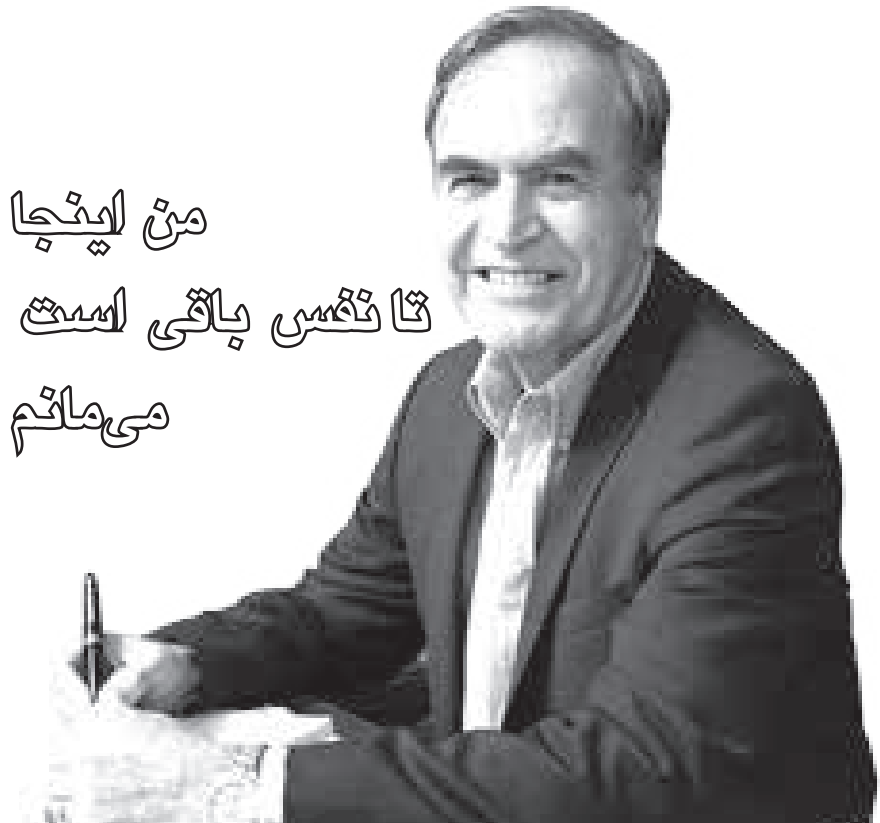




من اینجا تا نفس باقی است می مانم



گفت‌وگو با دکتر علیمردان شبیانی - نایب رییس انجمن صنایع نساجی ایران

اشاره:
بار دیگر فرصتی دست داد تا در نیم‌روزی پائیزی لحظاتی را با مدیری توانا و سخت‌کوش و امیدوار به آینده به گفتگو بنشینیم. آنچه در زیر می‌آید ماحصل این گفتگوی صمیمی و صادقانه است که چون از دل برآمده است لاجرم بر دل خواهد نشست.

دکتر علیمردان شبیانی، نایب رییس انجمن صنایع نساجی ایران، عضو هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران و نایب رئیس کمیسیون صنعت اتاق، عضو هیأت مدیره شرکت‌های صنایع بوریا، باند و گاز و پنبه کاوه، گروه صنعتی همارشتن و مدیر عامل گروه صنعتی موکت همدان صحبت را با مقدمه ای که ناشی از دل نگرانی‌های این مدیر با تجربه بود قبل از طرح پرسش‌هایم چنین آغاز نمود.

❖ اگر نرخ ارز به سطحی برسد که دیگر برای قاچاقچیان، واردات غیرقانونی مقرون به صرفه نباشد طبعاً حجم قاچاق کاهش خواهد یافت.

❖ نمی‌توان با کشوری روابط تیره سیاسی داشت اما رونق صادرات به این کشور را هم مدنظر قرار داد!

❖ بورس محلی است که باید خریداران و عرضه‌کنندگان فراوانی حضور داشته‌باشند تا بتوانند به تعامل و رقابت سالم با یکدیگر بپردازند.

در عمل و اجرا چنین نتیجه‌ای از هیچ‌یک از اینگونه بخشنامه‌ها که متأسفانه بیشتر آن در همین سال حمایت از تولید صادر گردیده و تعداد آن هم بسیار زیاد است گرفته نشده است.

امیدوارم قبل از آنکه چراغ فروزان واحدهای تولیدی که متأسفانه در سال جاری به دلالت فراوان داخلی و خارجی رو به کم سوئی گذاشته است، خاموش گردد دولتمردان و دلسوزان کشور را بر آن دارد تا دستور بررسی تک تک موارد محل تولید را به‌طور جد و قبل از دست رفتن فرصت صادر کنند تا همگی بتوانیم با توکل به خداوند بزرگ و حامی این کشور و با دست‌های در هم گره خورده و متحد بر تحریم‌های خارجی که بنظر من اثر آن کمتر از تحریم‌های ناخواسته داخلی است فائق آئیم و بار دیگر ثابت کنیم که "ما می‌توانیم".

ارزش افزوده‌ای فراوان حاصل کند که نتیجه آن اشتغال مولد، گسستن زنجیرهای وابستگی و دگرگونی چهره اجتماعی و اقتصادی کشور خواهد بود.

اما نمی‌دانم احساسی گنگ و تلخ مرا که همیشه در زندگی جز قسمت پر لیوان ندیده ام و البته از این احساس همیشه بهره برده‌ام در سالی که سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیده شده مدام آزار می‌دهد؛ بعضاً می‌بینیم ده‌ها و بلکه صدها بخشنامه و دستورالعمل که همه تحت نام حمایت از تولید صادر گردیده؛ متأسفانه در عمل نه تنها حمایتی از تولید در اجرای آن دیده نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد به منزله سدی بر سر راه تولید کشور خود نمائی می‌کنند. مطمئن هستیم که نیت صادر کنندگان این دستورالعمل‌ها قطعاً جز خیرخواهی برای صنعت کشور نبوده است اما

امسال چهل و ششمین سالی است که من در بطن و متن صنعت و فقط صنعت مشغول به کارم همانطور که بارها گفته‌ام کار را از تونل‌های سخت ذغال سنگ در عمق ۶۰۰ متری زیر زمین و کوره‌های بلند ذوب آهن ایران آغاز کردم و آرام آرام خود را با تلاش و کار صادقانه و اعتقاد قلبی و امید به آینده به سطح زمین رساندم.

در تمام این سال‌ها اعتقاد داشتم که واحدهای صنعتی مکان‌های مقدسی است که اگر در توانم بود می‌گفتم هر کسی وارد این در گاه گردد چه بهتر که پاکیزه و با وضو باشد. در تمام این سال‌ها اعتقاد داشته و دارم که این واحدها تنها جایگاه درست و بجای جوانان خوب و مستعد کشور است، این واحدها با امکانات بی بدیلی که کشور ما چه از نظر منابع غنی خدادادی و چه از نظر نیروی خوب انسانی دارد می‌تواند با کار درست





بالا رفتن نرخ ارز موجب افزایش قیمت مواد اولیه واحدهای تولیدی می‌شود و بدتر از آن، زمانی است که قیمت ارز (ولو در کوتاه مدت) اندکی کاهش یابد این امر در بازار عملاً موجب توقف خرید محصول تمام شده می‌گردد.

ارزیابی شما از تأثیر افزایش نرخ ارز در تولیدات کشور چیست؟

واحدهای تولیدی وابسته به واردات مواد اولیه و قطعات یدکی و ماشین آلات خارجی با افزایش نرخ ارز، طبعاً با افزایش محسوس قیمت تمام شده محصولات خود روبرو شده‌اند حتی واحدهایی هم که مواد اولیه مورد نیاز خود را از داخل کشور مثل مجتمع‌های پتروشیمی تأمین می‌نمایند؛ ناخودآگاه با افزایش قیمت مواد اولیه مواجه می‌شوند زیرا مبنای محاسبه قیمت محصولات پتروشیمی، فوب منهای ۵ درصد است (که متأسفانه هیچ‌گاه این دستورالعمل صحیح، اجرایی نشده است) و طبعاً بر اساس نرخ ارز بازار آزاد (اگر چه عنوان می‌شود که باید براساس نرخ مبادلاتی و مرجع باشد اما تا به امروز این اتفاق رخ نداده است) محاسبه و به فروش میرسد لذا طبیعی است که بالا رفتن نرخ ارز موجب افزایش قیمت مواد اولیه واحدهای تولیدی می‌شود و بدتر از آن، زمانی است که قیمت ارز (ولو در کوتاه مدت) اندکی کاهش یابد این امر در بازار عملاً موجب توقف خرید محصول تمام شده می‌گردد زیرا مصرف‌کننده تصور می‌کند امروز که قیمت ارز اندکی کاهش داشته ممکن است روزهای آینده نیز این روند نزولی ادامه داشته باشد (که یک کاهش چنین می‌شود) و به امید کاهش بیشتر قیمت‌ها از خرید خودداری می‌کند! عدم خرید هم مستقیماً به انباشتگی تولید در انبارها، بروز مشکلات تأمین نقدینگی واحدهای تولیدی، عدم امکان خرید مواد اولیه و توقف اجباری خطوط تولیدی و بیکاری پرسنل آن منتهی می‌گردد؛ در چنین شرایطی است که قطعاً زنجیره تولید از نوسان قیمت‌تارز (کاهش یا افزایش) آسیب جدی خواهد دید و کاش دولتمردان کشور چاره‌ای می‌اندیشیدند تا حداقل ثباتی سه تا شش ماهه در تمام مواردی که اثر گذار روی تولید و صنعت کشور بود به‌طور جدی پیگیری می‌شد.

در همین جا شاید اشاره‌ای کوتاه به کاهش اندک نرخ هفتگی محصولات پتروشیمی در بورس طی یک‌ماهه اخیر بی‌مناسبت نباشد اگر چه بدلیل عرضه بسیار ناچیز این محصولات طی شش ماهه اول سال

جاری قیمت آن سیر صعودی بسیار سریعی را طی کرد و اکثر کارخانجات از ترس بالاتر رفتن بیشتر آن در هر هفته (طبق مقررات بورس هر هفته قیمت کف محصول عرضه شده ۵٪ بالاتر از قیمت سقف هفته پیش بود) حتی ناچاراً بیشتر از نیاز خود از طرق مختلف خریداری کردند. ولی همین که بدلیل کنترل‌های لازم واحدهای پتروشیمی ناچاراً هر هفته قیمت فروش خود را به FOB منهای ۵٪ نزدیک کردند عملاً خریداران محصولات نهایی به امید اینکه ممکن است هفته آینده قیمت از این هفته پائین تر گردد آن چنان اشتیاقی برای خرید محصولات پائین دستی از خود نشان ندادند در صورتی که اگر قیمت عرضه محصولات پتروشیمی حداقل برای سه ماه ثابت بود تکلیف خریدار و فروشنده بسیار روشن و شفاف می‌گردید.

آیا افزایش نرخ ارز بر کاهش واردات و یا قاچاق کالاها و یا محصولات تولیدی اثر گذار است؟

اگر نرخ ارز به سطحی برسد که دیگر برای قاچاقچیان، واردات غیرقانونی مقرون به صرفه نباشد طبعاً حجم قاچاق کاهش خواهد یافت زیرا قاچاقچی کالایی را وارد کشور می‌کند که برایش سود هنگفتی در بر داشته باشد و اگر سودی آن چنانی در میان نباشد، توجیه قاچاق از بین خواهد رفت. با افزایش نرخ ارز، قاچاقچی نمی‌تواند در رقابت بین قیمت محصولات وارداتی با قیمت محصولات داخل کشور، پیروز میدان باشد و به‌طور موقت از ادامه واردات غیرقانونی دست میکشد اما در صورت افزایش بی‌رویه عوامل تولید بخصوص بالا رفتن قیمت مواد اولیه، تولیدکنندگان داخلی توان رقابت در زمینه پائین آوردن قیمت تمام شده محصولات داخلی و رقابت آن با کالاهای قاچاق خارجی را از دست می‌دهند و بار دیگر به اصطلاح "سر و کله قاچاق و قاچاقچی پیدا خواهد شد!!" (به‌خصوص در مورد واردات کالاهای نساجی که ورود قاچاق آن به مراتب آسان‌تر از سایر محصولات است)

افزایش نرخ ارز موجب افزایش تولید صادرات محور خواهد شد یا خیر؟

صادرات یکی از پارامترهای مهم اقتصاد یک کشور است و کشوری که بتواند کالاهای باکیفیت بالا و با قیمت تمام شده مناسب روانه بازار سایر کشورها نماید؛ در افزایش درآمد ملی نقش اساسی ایفا خواهد کرد اما ببینید که طی یکی دو ماه اخیر چه بلایهایی بر سر صادرات آمده است!! ابتدا طی یک بخشنامه، صادرات ۵۲ قلم محصول اعم از مواد اولیه و کالای ساخته شده بدون مطالعه لازم و کارشناسی ممنوع اعلام شد.

در اصل هدف جلوگیری از صادرات مواد خام بود و این که مواد خام در کشور تبدیل به یک محصول دارای ارزش افزوده شود و سپس صادر گردد که بسیار ایده و کار صحیحی است اما بخشنامه کاملاً برعکس این هدف اجرایی شد یعنی مثلاً اگر قرار بود محصولات لبنی به‌خارج از کشور صادر شود عنوان می‌شد چون ظروف محصولات لبنی از مواد پلیمری تولید شده، پس صادرات آن ممنوع است!!!! یک صادرکننده که سالیان متمادی برای حضور در بازارهای جهانی هزینه‌های متعددی تقبل کرده است با صدور این بخشنامه، مشتریان خود را از دست داد و یا دستورالعملی که صادرکنندگان را مکلف به ابراز ارز صادراتی کالا می‌نمود در حالیکه بسیاری از محصولات از طریق بازارچه های مرزی به کشورهای عراق و افغانستان صادر می‌گردد و هیچگونه ارزی در قبال آن دریافت نمی‌گردد و وجه رایج اینگونه معاملات همیشه ریال است حال تأکید موکد روی ابراز ارزی که هیچگاه گرفته نشده صدمات بسیاری بر صادرات اینگونه کالاها و بطور کلی پیکره صنعت کشور به خصوص بخش خصوصی وارد می‌نماید و مجدداً سر و کله یک عده واسطه برای صادرات این گونه کالاها با هزینه های بسیار بالا پیدا می‌شود و یا عطف به ماسبق شدن قوانین و مقررات چطور ممکن است قانون و یا دستورالعملی که امروز صادر شده بدون هیچ توجهی به شرایط آن روز مملکت شامل حال همه تولید کنندگانی که ماه‌ها و بلکه سال‌ها قبل چنین مورد مشابهی داشته‌اند نمود؟ و بر اساس این قانون حساب و کتاب سال‌های قبل واحد تولیدی را که چنین قانونی جاری نبوده مجدداً مورد بررسی قرار داد.

بستر دیگری که صادرات نیازمند آن است و از اختیارات بخش خصوصی خارج می‌باشد؛ مسائل سیاسی و فرهنگی است. نمی‌توان با کشوری روابط تیره سیاسی داشت اما رونق صادرات به این کشور را هم مدنظر قرار داد! رفع این مشکل در اختیار دولتمردان و رایزنان سیاسی و فرهنگی کشور می‌باشد. لذا در اتاق‌های بازرگانی پیشنهاد شد که رایزنان بازرگانی، وزارت امور خارجه با اتاق‌های بازرگانی و واحدهای تولیدی ارتباط مستقیم برقرار نمایند تا اطلاعاتی در مورد تولید محصولات داخلی کسب نمایند و در اختیار طرف‌های خارجی محل خدمتشان قرار دهند.

در واحدی که مدیریت مستقیم آن تحت نظر جنابعالی است افزایش نرخ ارز و بی‌ثباتی آن و مشکلات خرید ارز، در تأمین مواد اولیه مورد نیاز چه تبعاتی داشته است؟

یکی از مشکلات جدی و اساسی این‌روزهای هر واحد





بارها اعلام کرده‌ام که در صورت همخوانی صحیح عرضه و تقاضا طبق یک روال مشخص و منطقی، قطعاً با همه مشکلات بین‌المللی واحدهای تولیدی پائین دستی مشکلی بنام تامین مواد اولیه نخواهند داشت.

نه سرمایه‌گذاری که امروزه همه زندگی و هستی خود را بعنوان وثیقه در گرو بانک‌ها گذاشته و همه سرمایه و زندگی او در داخل همین کشور و به قول معروف پیچ به زمین کارخانه است و یا پدیده ناخوشایندی که اخیراً در محاکم قضائی آغاز شده و احکام دیه‌هایی آنچنانی برای مدیران واحدهائی صادر میگردد. که هیچ گناهی جز ایجاد اشتغال برای هم وطنان خود نداشته اند اینگونه مسائل که فرصت اشاره به همه آن نیست بار بسیار سنگینی بر دوش صنعتگر سخت کوش و صادق مملکت گذاشته که حداقل در این شرایط که تحریم‌های ناعادلانه خارجی بیشترین فشار را بر کرده صنعت وارد کرده می‌شد با تسهیل و اغماض و همراهی تا رسیدن به شرایط عادی تر از اجرای بسیاری از آن چشم پوشید و به قول معروف تحریم‌های داخلی را مزید بر تحریم‌های خارجی ننمود بنظر من وظیفه دلسوزان و دولتمردان کشور است که اینگونه موانع را هر چه سریعتر تسهیل و بر طرف کنند. والا با داشتن اینهمه منابع ارزشمند خدادای، با داشتن اینهمه جوانان لایق و مستعد با داشتن این همه انسانهای کار آزموده و عاشق ایران با داشتن جمعیتی جوان و مستعد با داشتن ماشین آلات و تکنولوژی‌های روز در اکثر کارخانجات دلیلی برای نگرانی از توسعه صنعتی کشور نمی بینم و شاید گزارف نگفته باشم که تنها راه توسعه فرهنگی و رونق اقتصادی کشور را توجه بیش از پیش به صنعت کشور می‌دانم و بس. در پایان به دلیل عشق و علاقه‌ای که همه صنعتگران عاشق این مرز و بوم به ایران عزیز دارند؛ اجازه می‌خواهم صحبت‌م را با شعری نغز از فریدون مشیری به اتمام رسانم:

من اینجا ریشه در خاکم

من اینجا عاشق این خاک از آلودگی پاکم

من اینجا تا نفس باقی‌ست می‌مانم

من از اینجا چه می‌خواهم، نمی‌دانم

من اینجا روزی آرزای دل این خاک

با دستی تهی، گل بر می‌افشانم

به سرمایه در گردش مورد نیاز واحدهای تولیدی میکرد و خیال تولیدکنندگان بابت تهیه مواد اولیه آسوده بود در حالی که از طریق بورس، تولیدکننده باید به صورت صددرصد نقدی خرید خود را انجام دهد که متأسفانه تداوم این روند موجب کاهش قدرت خرید و پائین آمدن حجم مواد اولیه کارخانجات تولیدی و صنعتی کشور خواهد شد و در چنین شرایطی همیشه بیم آن می‌رود که واحدی که نتواند مواد اولیه مورد نیاز خود را تامین کند و بالطبع تولید و فروشی نداشته باشد قدرت پرداخت هزینه های جاری خود مثل حقوق، آب و برق و غیره را نخواهد داشت و ثمره تلخ چنین اتفاقی توقف واحد و بیکاری ناخواسته همه پرسنل خوب آن خواهد بود.

اجازه دهید بعنوان آخرین سوال از جنابعالی بعنوان مدیری که بدلیل مسئولیت در نهادها، اتاقها و انجمن‌های مختلف، اشراف بیشتری بر کل صنعت دارد بپرسم آینده صنعت کشور را چگونه می‌بینید.

شما به عنوان خبرنگاری با هوش گذاشتید بعد از حدود یکساعت صحبت و بحث مجبور به پاسخ‌گوئی به مشکل‌ترین و در عین حال اساسی‌ترین سوالاتان باشم. ببینید همانطور که در اول صحبت‌م هم عنوان کردم کشور ما همه پتانسیل‌های لازم را برای بهره‌برداری درست از صنایع مختلف دارد. به خصوص تحولی که در سال‌های اخیر در زمینه صنعت ایجاد شده را نمی‌توان نادیده گرفت.

اما فراموش نکنید که نقش بخش خصوصی در این تحول هنوز بسیار کم رنگ است و در پاره ای از موارد حتی به بخش خصوصی کشور بعنوان نامحرم‌ها نگاه میشود حتماً بیاد دارید در یکی از بانک‌ها مشکلی پیش آمد و چوب اصلی آن را فقط بخش خصوصی خورد حتی در صورهای داخلی هم که بعد از این اتفاق صدور آن متوقف شد گفته شد که بایستی حتماً یک طرف آن دولتی باشد و یا دوباره زنده کردن قوانین و دستورالعمل‌هایی که مربوط به قبل از انقلاب است مثل قانون مشاغل سخت و زیان آور - قانون پسماندهای صنعتی - قانون طبقه بندی مشاغل - دستورالعمل اخذ ۱۲۰ تا ۱۵۰٪ مبلغ گشایش اعتبار دستورالعمل محاسبه نرخ ارز استفاده کنندگان از صندوق ذخیره ارزی بر مبنای نرخ ارز اتاق مبادلات که در این مورد تقریباً تمام واحدهای بدهکار به صندوق علاوه بر از دست دادن توجیه اقتصادی طرح طبق قانون تجارت ورشکسته هستند، ممنوع الخروج نمودن سریع مدیران بخش خصوصی بر اساس دستورالعملی که در اوائل انقلاب صرفاً برای جلوگیری از خروج سرمایه دارانی تصویب شد که بیم فرارشان از کشورشان مطرح بود و

صنعتی همین موضوع است ببینید ما از مواردیکه تامین آن احتیاج به ارزش‌خارجی دارد می‌گذریم که مشکلات آن امروزه به دلیل تحریم‌ها، مسائل بانکی بسیار بسیار زیاد است. بر گردیم به مشکلات تامین مواد اولیه تولید داخل. در جلسات، نوشته‌ها و مصاحبه‌هایم مکرر عنوان کرده‌ام که یکی از نقاط قوت کشور وجود منابع سرشار خدادادی و نیروی لایزال جوانان خوب کشور است نمونه آن را در ایجاد مجتمع‌های پتروشیمی در اقصی نقاط کشور میتوان مشاهده کرد که خوشبختانه با هیچ مشکلی بابت مواد اولیه (گاز، نفت و ...)، امکانات فنی و متخصصین توانمند و متعهد داخلی روبرو نبوده اند اما متأسفانه نحوه عرضه همین محصولات پتروشیمی چه از طریق بورس و چه از طرق دیگر، مشکلات متعددی را برای صنعتگران ایجاد کرده‌است که این که قیمت مواد اولیه عرضه‌شده در بورس با قیمت خارج از بورس بعضاً تفاوت بسیار فاحشی داشت. که دلیلی جز نابسامانی و عرضه کم و قطره چکانی این مواد از طریق بورس و روشهای پیشنهادی تکلیفی نیست برای مثال زمانی که قیمت رسمی هر کیلوگرم گرانول پلی‌پروپیلن در بورس حدود ۳۲۰۰ تومان بود؛ همین محصول در بازار آزاد تا ۷۲۰۰ تومان هم فروخته می‌شد. این اختلاف قیمت که به نظر من ناشی از عدم شناخت بازار و عدم کارشناسی لازم می باشد برای اغلب واحدهای تولیدی مشکلاتی جدی به وجود آورده که باید برای حل این مشکل، تدابیری اساسی و سریع اندیشیده شود. بارها اعلام کرده‌ام که در صورت همخوانی صحیح عرضه و تقاضا طبق یک روال مشخص و منطقی، قطعاً با همه مشکلات بین‌المللی واحدهای تولیدی پائین دستی مشکلی بنام تامین مواد اولیه نخواهند داشت.

به اعتقاد من عرضه مواد اولیه در بورس، با این شرایط اندک و قطره چکانی که در شش ماهه اول سال اعمال گردید نادرست است زیرا بورس محلی است که باید خریداران و عرضه‌کنندگان فراوانی حضور داشته باشند تا بتوانند به تعامل و رقابت سالم با یکدیگر بپردازند اما زمانی که مثلاً یک واحد پتروشیمی به عرضه محصولی می‌پردازد که تعداد خریداران آن از تعداد انگشتان دست هم تجاوز نمی‌کند عرضه چنین کالائی در بورس چه معنا و منطقی دارد!!

مشکل دیگری که خرید از بورس ایجاد کرده مسأله فروش نقدی مواد اولیه است در صورتیکه زمانی که واحدهای تولیدی، با مجتمع‌های پتروشیمی قرارداد خرید طولانی مدت می‌بستند طبق دستور صحیح ریاست جمهوری بمنظور کمک به سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، پتروشیمی‌های داخلی مکلف به عرضه اعتباری کالای خود بودند که خود کمک بزرگی

